



علوم محیطی

فصلنامه علوم محیطی، دوره یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲

۱۰۵-۱۱۸

ارزیابی مدل مدیریت مشارکتی تالاب‌ها از نظر جامعه محلی (مطالعه موردی: تالاب انزلی، گیلان)

صادق صالحی^{۱*}، عاطفه غلامدوست اشکیکی^۲

^۱ استادیار جامعه‌شناسی محیط‌زیست، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه مازندران

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۲۴

Assessment of a Model of Collaborative Management for Wetlands from a Community Viewpoint (Case study: Anzali Wetlands)

Sadegh salehi^{1*}, Atefeh Qolamdoust²

¹Associate Professor, Department of Social Science, Faculty of Humanities, University of Mazandaran

²Graduate student in sociology, Department of Social Science, University of Mazandaran

Abstract

Wetland habitats are natural ecosystems, which play a significant role in the development of surrounding communities. Due to their importance, the Convention on Wetlands Protection was ratified on 2nd February, 1971, in the city of Ramsar, Guilan, Iran. Anzali wetlands are registered as freshwater wetlands, and, currently, more than a million people either work or live around the lagoon. To consider the role of local people in the conservation of wetlands, in this paper, we ask, "What is the level of awareness sustained by local people regarding the Anzali Wetlands?" The Model of Collaborative Management for Wetlands has been used to assess the community viewpoint in this regard. In terms of methodology, the current study uses a survey method to study 50 sample cases of local people living in the area of wetlands, as well as wetland stakeholders. Using statistical tests, the results showed that the local community was more aware of the collaborative management of wetlands than public administration employees.

Keywords: Convention, Ramsar, Anzali Wetlands, Policies to Protect and Preserve Wetlands, Ecosystem Management Approach, Guilan.

چکیده

زیستگاه‌های تالابی یکی از با اهمیت‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی کره زمین هستند که از دیرباز نقش به‌سزایی در توسعه جوامع اطراف خود ایفا کرده‌اند. با توجه به اهمیت تالاب‌ها، کنوانسیون حفاظت از تالاب‌ها در ۱۳ بهمن ۱۳۴۹ در شهر رامسر شکل گرفت. از جمله تالاب‌های ثبت‌شده در این کنوانسیون، تالاب انزلی است که تالاب آب شیرین محسوب شده و بیش از یک میلیون نفر در محدوده این تالاب کار یا زندگی می‌کنند. با توجه به نقش مردم در حفاظت از تالاب‌ها، تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اساسی است که «میزان آگاهی، شناخت و رفتار افراد ذی‌نفع، در ارتباط با مدیریت مشارکتی تالاب انزلی چقدر است؟» از نظر روش‌شناسی، در تحقیق حاضر از روش پیمایشی استفاده شده و نمونه‌های مورد بررسی را ذی‌نفعان تالاب شکل می‌دهند. داده‌های تحقیق با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که برخلاف انتظار، میزان شناخت جامعه محلی از مدیریت مشارکتی بیشتر از میزان شناخت کارمندان ادارات دولتی است. از دیگر نتایج این تحقیق این است که جامعه محلی به نقش مهمی که می‌توانند در حفظ و احیای تالاب داشته باشند آگاه نیستند؛ در حالی که کارمندان ادارات دولتی نقش زیادی برای جامعه محلی متصورند. این یافته‌ها در شرایط فعلی تالاب که همیاری هر دو گروه مورد نیاز است، بسیار قابل توجه و البته هشداردهنده است.

کلمات کلیدی: کنوانسیون رامسر، تالاب انزلی، مدیریت مشارکتی، مدیریت زیست‌بومی، گیلان.

* Corresponding author. E-mail Address: s.salehi@umz.ac.ir

۱- مقدمه

زیست‌گاه‌های تالابی یکی از با اهمیت‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی کره زمین هستند که از دیرباز نقش به‌سزایی در توسعه جوامع اطراف خود ایفا کرده‌اند. منافع متعدد تالاب‌ها از جمله حفاظت و حمایت از تنوع زیستی و فراهم کردن غذا و سایر محصولات تالابی، نظیر نقش تالاب‌های آبی در صنعت گردشگری و ... آن‌ها را در زمره مهم‌ترین و ارزشمندترین زیست‌بوم‌های جهان برای حفظ تنوع زیستی و فرهنگی قرار می‌دهد [۱]. با توجه به اهمیت حفاظت از تالاب‌ها، کنوانسیون حفاظت از تالاب‌ها در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۴۹ (مطابق با دوم فوریه سال ۱۹۷۱) در شهر رامسر شکل گرفت. این کنوانسیون، پیمانی بین‌المللی است که نام آن از شهر رامسر در ایران گرفته شده، و هدف از شکل‌گیری آن حفاظت از تالاب‌ها و پرندگان مهاجر است و بر مبنای همین پیمان کشورهای عضو موظف به حفاظت از تالاب‌های ثبت‌شده هستند [۲]. از جمله تالاب‌های ثبت‌شده در این کنوانسیون، تالاب انزلی است [۳].

تالاب انزلی، تالاب آب شیرین است که با حوضه‌ای معادل ۳۶۱۰ کیلومتر مربع به دریای خزر زهکشی می‌شود. همچنین، این تالاب نقطه حساس برای توقف بیش از ۷۷ گونه پرنده مهاجر و آبی است. به لحاظ جمعیتی، بیش از یک میلیون نفر در این ناحیه زندگی می‌کنند و به فعالیت‌های اقتصادی مهمی نظیر ماهیگیری، صید و شکار، استفاده‌های تفریحی - تفرجی و گردشگری اشتغال دارند [۴]. از سال ۱۳۶۹ تالاب انزلی در کنوانسیون رامسر به عنوان تالاب آسیب دیده و در معرض خطر (مونتر) معرفی شده است [۵]. البته عوامل متعددی در تخریب تالاب‌ها نقش دارند که از آن جمله می‌توان به مسئله تبدیل اراضی، شکار و صید بی‌رویه پرندگان و ماهی‌ها اشاره کرد [۶].

در جمهوری اسلامی ایران براساس بند الف ماده ۶۷ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، سازمان محیط‌زیست به عنوان مرجع اصلی پیاده‌سازی مدیریت زیست‌بومی شناخته شده است. در همین راستا، اولین برنامه‌های مدیریت زیست‌بومی کشور در قالب طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، و با همکاری تمامی ذی‌نفعان در دریاچه ارومیه و تالاب پریشان تدوین شد و به تصویب دولت رسیده است؛ تالاب شادگان نیز آخرین مراحل تصویب خود

را سپری می‌کند [۴]. منابع تالاب‌ها به صورت گسترده و وسیع توسط اجتماعات محلی برای حیات و سلامت اقتصادی آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل مشارکت جوامع محلی نقش مهمی در توسعه ظرفیت مدیریت و بهره‌برداری از منابع آن‌ها به شیوه پایدار ایفا می‌کند. در واقع، مشارکت محلی ابزار مؤثری برای ایجاد استفاده متوازن اکولوژیکی از سرزمین و منابع آبی موجود است. علاوه بر این، مشارکت جامعه محلی و تمامی ذی‌نفعان برای حل مسائل و مشکلات مربوط به تالاب حائز اهمیت فراوان است. از آنجا که مردم محلی پیشاهنگ محافظت از تالاب‌ها هستند، به دلایل مشارکت‌شان برای محافظت از تالاب‌ها ضروری است: [۸]

الف) اطلاعات مورد نیاز برای احیاء تالاب، داده‌های ضروری و شرایط اجتماعی - اقتصادی منابع را فراهم سازند.

ب) از دانش و مهارت خود برای تولید محصولات تالاب استفاده کنند و از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

ج) اطلاعات مربوط به خطرات را به سازمان‌های مختلف انتقال دهند. مردم محلی می‌توانند با بهره‌برداری درست از منابع تالاب، به حفظ موازنه اکولوژیکی کمک کنند. در حقیقت، مشارکت فعالانه مردم محلی در فرایند توسعه برنامه‌ای لازم و کارآمد است.

بدین ترتیب، اجتماع محلی یک ذی‌نفع مهم در استفاده از منابع است [۸]. بدیهی است که اجرای مدیریت زیست‌بومی در مناطق حفاظتی و زیست‌بوم‌های طبیعی نیازمند مشارکت جوامع محلی است. به همین دلیل، تحقیق حاضر درصدد شناخت ارتباط جامعه محلی و طبیعت است و سؤال اساسی آن عبارت است از: «میزان آگاهی، شناخت و رفتار افراد ذی‌نفع در ارتباط با مدیریت مشارکتی تالاب انزلی، به چه میزان است؟»

۱-۱- چارچوب مفهومی

در جامعه‌شناسی محیط‌زیست نظریه‌های مختلفی برای تبیین جنبه‌های اجتماعی پدیده‌های زیست‌محیطی وجود دارد [۹]. در این بررسی از یک مدل بین‌رشته‌ای به نام «مدل ارزیابی مشارکتی تالاب» برای تبیین مسئله تحقیق استفاده شده است. مشارکت جوامع محلی نقش مهمی در توسعه ظرفیت مدیریت و بهره‌برداری از منابع تالاب‌ها به شیوه پایدار ایفاء می‌کند. منابع تالابی به صورت گسترده و

می‌کوشند تا با دست‌یابی به یک دسته ملاحظات آماری، نتایج حاصله را به کل جامعه آماری تعمیم دهند. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه تکنیکی است بسیار ساخت‌مند، و پرکاربردترین تکنیک گردآوری داده‌های پیمایشی است. علت آن است که شیوه‌ای کارآمد برای تشکیل ماتریس متغیر برحسب مورد برای نمونه‌های بزرگ است [۱۱]. در این پژوهش، ۵۰ نمونه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این نمونه‌ها شامل ۲۵ نفر از جامعه محلی ساکن حوضه تالاب انزلی (افرادی که به‌نوعی زندگی و کارشان مستقیم یا غیرمستقیم با تالاب مرتبط است)، و ۲۵ نفر از کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی است. منظور از کارمندان ادارات، تمامی افرادی هستند که در ادارات به‌نوعی تصمیمات و مسئولیت‌هایشان مستقیماً یا غیرمستقیم بر وضعیت تالاب انزلی تأثیر دارد؛ افرادی چون معاون سازمان گمرک و بنادر و کشتیرانی، پژوهش‌گران حوزه تالاب انزلی سازمان شیلات استان گیلان، و مسئولین ارتباط استانداری با گروه پژوهشی جائیکا (مؤسسه خصوصی مطالعات از ژاپن)، که برای بهبود وضعیت تالاب انزلی از سال ۲۰۰۵ در استان گیلان بودند. داده‌های این تحقیق به‌لحاظ زمانی از تاریخ خرداد ماه ۱۳۹۱ تا شهریور ۱۳۹۱، و به‌لحاظ مکانی در سه شهر رشت، انزلی و صومعه‌سرا جمع‌آوری شده است.

داده‌های مورد نیاز تحقیق، ابتدا با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه جمع‌آوری و سپس با استفاده از نرم‌افزار آماری مخصوص تحقیقات علوم اجتماعی (SPSS) پردازش شد و پس از بازبینی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پردازش داده‌ها در دو بخش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. در بخش توصیفی از آماره‌های توزیع فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف معیار استفاده شده است. در بخش تحلیلی نیز از آزمون (پارامتری) تفاوت میانگین‌ها در دو گروه مستقل برای شناخت تفاوت معنی‌دار بین دو گروه استفاده شده است.

۲-۱- تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

۲-۱-۱- چارچوب‌های حمایتی

یک سیاست و چارچوب قانونی که به مشارکت مردم محلی در مدیریت منابع مشروعیت ببخشد، حداقل داده اساسی از

وسیع توسط اجتماعات محلی برای گذران معشیت و زندگی اقتصادی آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، مشارکت محلی ابزار مؤثر برای ایجاد یک استفاده متوازن اکولوژیکی از سرزمین و منابع آبی موجود است. مشارکت کاربران تالاب برای حل مسائل و مشکلات مربوط به تالاب حائز اهمیت فراوان است. نوشتار حاضر ضمن معرفی ایده مشارکت اجتماعی محلی به نقش افراد محلی در محافظت و مدیریت تالاب نیز می‌پردازد.

شواهد به دست آمده تاکنون نشان داده است که مشارکت مردم محلی در مدیریت تالاب به‌طور معنی‌داری در حفظ یا نگهداری یکپارچگی اکولوژی و سلامت اجتماع مؤثر است [۱۰].

راهنمای کنوانسیون رامسر یکی از الزامات اصلی برای مدیریت مشارکتی مؤثر را «انگیزه برای مشارکت مردم محلی و بومی، و استفاده خردمندانه» (هرکسی باید در درازمدت سود ببرد) بیان می‌کند. در تلاش برای تعیین و شناسایی استراتژی‌های استفاده خردمندانه، هشت عنصر برجسته شده است: ۱- چارچوب‌های حمایتی؛ ۲- دانش زیست‌محیطی محلی؛ ۳- ارزش‌گذاری‌های اقتصادی؛ ۴- جنسیت؛ ۵- پایش مشارکتی؛ ۶- پرداختن مؤثر به تهدیدها؛ ۷- سناریوهای برد - برد؛ ۸- استراتژی‌های خروج [۱۰]. البته بعد از جمع‌آوری داده‌ها متوجه شدیم که پنج عنصر از هشت عنصر مطرح شده از اهمیت موضوعی برخوردارند و سه عنصر جنسیت، سناریوی برد - برد (در بیان این که تالاب یا مردم، کدام‌یک بیشتر سود می‌کنند؟) و استراتژی خروج - با توجه به این که هنوز کمک یا طرحی مشارکتی اجرا نشده تا خروج اثری داشته باشد - از این بحث خارج می‌شوند.

۲- مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر یک تحقیق پیمایشی است. روش پیمایشی شیوه‌ای است که در آن جمعیت نمونه، که معرف کل جامعه آماری است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدین معنی که هدف تحقیق پیمایشی دست‌یابی به استنباط علی از طریق مقایسه دقیق ویژگی‌های مختلف موردهاست [۱۱]. دواس، پیمایش را شامل مجموعه‌ای ساخت‌مند یا منظم از داده‌ها می‌داند و آن را «ماتریس متغیر برحسب داده‌های موردی» می‌نامد [۱۱]. در این روش، محقق یا محققان

پاسخ یک امتیاز در نظر گرفته شد. میزان دانش زیست‌محیطی هر فرد با تجمیع کدهای امتیازی که به آن اشاره کرده بود سنجیده شده است. این ده پاسخ مورد انتظار شامل اکوتوریسم، صید و شکار، خاک حاصل‌خیز برای کشاورزی، اشتغال‌زایی و جنبه اقتصادی، آزمایشگاه طبیعی، گیاهان دارویی، محصولات و فرآورده‌های معدنی، تصفیه آب سطحی و جلوگیری از سیلاب، محل مهاجرت و زندگی پرندگان و جانوران گوناگون و تغییرات آب و هوایی بوده است.

۲-۱-۳- ارزش‌گذاری‌های اقتصادی

ارزش اقتصادی ابزار قدرت‌مندی برای تضمین «استفاده خردمندانانه» از تالابها را فراهم می‌کند. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه سازمانی بین‌المللی ۳۴ عضو دارد که اعضای آن متعهد به اصول اقتصاد آزاد و دموکراتیک‌اند. این سازمان در سال ۱۹۴۸، تحت عنوان «سازمان همکاری اقتصادی اروپا»، و با مدیریت رابرت مارژولین فرانسوی به منظور اجرای طرح بازسازی کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم - که توسط ایالات متحده آمریکا برای بازسازی اروپا بعد از جنگ و مبارزه با کمونیسم برنامه‌ریزی شده بود - تأسیس شد. این سازمان که به‌اختصار OECD نامیده می‌شود در سال ۱۹۹۶ ارزش‌های تالاب را براساس کارکرد، تولیدات، ویژگی انواع متفاوت تالاب تجزیه و تحلیل کرد. باربیر و همکاران (۱۹۹۷) راهنمای خوبی در باب ارزش‌گذاری‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران ارائه داده‌اند؛ این راهنما مشتمل است بر: الف) توسعه شاخص قوی‌تر و ساده؛ ب) استفاده از روش‌های مخصوص تالاب‌های متفاوت؛ ج) کسب اطمینان از این‌که تکنیک‌های مورد استفاده براساس شناخت مناسب از رویارویی منابع و انسان است؛ د) کسب اطمینان از این‌که داده‌ها به‌طور صحیح و خاص تفسیر شده‌اند؛ ه) توسعه تکنیک‌هایی با کاربری آسان که می‌تواند توسط اجتماعات محلی برای ارزیابی آنچه که به‌نفع‌شان است، مورد استفاده قرار گیرد [۱۰].

در پژوهش حاضر برای سنجش میزان آگاهی پاسخ‌گویان از توانمندی اقتصادی تالاب انزلی، با توجه به پنج گزینه به بررسی میزان آگاهی این شاخص در بین پاسخ‌گویان پرداختیم. این پنج گزینه شامل اکوتوریسم،

سوی دولت است که همواره مورد نیاز خواهد بود. باید به مسئله اجاره، دسترسی به منابع، مالکیت منابع و خود مدیریت مشارکتی توجه داشت [۱۰]. در پژوهش حاضر برای سنجش شاخص سیاست حمایتی دولت و میزان آشنایی پاسخ‌گویان با این شاخص پرسش «به‌نظر شما دولت یا سازمان‌های دولتی تاکنون چه اقداماتی برای حفظ یا احیاء تالاب انزلی انجام داده‌اند؟» را مطرح کردیم. برای پاسخ به این پرسش ۲ گزینه، و برای هر گزینه یک امتیاز در نظر گرفته شد. از این دو پاسخ یکی اشاره دارد به اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که بیان می‌دارد: «حفاظت از محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیره که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» [۱۲]. و دیگری پذیرش پروتکل کنوانسیون رامسر به‌عنوان دو عملکرد سیاسی - حمایتی دولت جمهوری اسلامی ایران است. برای به دست آوردن شاخص میزان آگاهی پاسخ‌گو از سیاست‌های حمایتی دولت، کدهای مرتبط با آن دو گزینه با هم جمع شدند.

۲-۱-۲- دانش زیست‌محیطی محلی

مردم محلی غالباً شناختی از اکولوژی تالاب در بافت خاص خود دارند و برخی از اوقات نسبت به آنچه که متخصصان بیرونی می‌گویند برتری دارند. در هر صورت، اقدامات سنتی الزاماً به پایداری زیست‌محیطی منجر نمی‌شود، بلکه توقعات و انتظارات محلی برای پدیده زیست‌محیطی ممکن است نیازمند بازنگری در پرتو شناخت علمی باشد. مهم این است که محققانی که روی مشارکت مردم محلی کار می‌کنند، مبادله اطلاعات دوسویه ایجاد کنند و اطمینان حاصل کنند که خرد محلی در استراتژی‌های مدیریت نقش دارد و دانش و داده‌های علمی را به اجتماع محلی بازخورد می‌دهد [۱۰]. در پژوهش حاضر برای سنجش دانش زیست‌محیطی پاسخ‌گویان از ایشان خواستیم به سؤال «با کدام یک از توانمندی‌های اکولوژیک تالاب انزلی آشنا هستید؟ چند مورد را بیان کنید.» پاسخ دهند. در جواب، ده گویند که مرتبط با توانمندی‌های اکولوژیک و شناخت اکوسیستم تالاب انزلی است انتظار می‌رفت و برای هر

صید و شکار، اشتغال زایی و جنبه اقتصادی، خاک حاصل خیز جهت کشاورزی، و محصولات و فرآورده‌های معدنی است.

۲-۱-۴- پایش مشارکتی

محور استراتژی پایدار عبارت است از آگاهی درمورد نحوه عملکرد سیستم و این که اثرات تلاش‌های مدیریت به‌طور واقعی چیست. علم استفاده خردمندان، الزاماً یک فرایند مستمر از یادگیری انطباقی است. آنچه که ضروری است، تنوع راه‌حل‌ها براساس درک متکامل از شرایط زیست‌محیطی و فرهنگی محلی است. پایش توسط خود مردم درمورد این که راه‌حل‌ها برای چه کسانی حائز اهمیت است، نقش اساسی در موفقیت و پیوستگی مدیریت انطباقی دارد [۱۰]. در پژوهش حاضر برای سنجش میزان آگاهی پاسخ‌گویان از مشارکت جوامع محلی و شرکت در امر حفظ، احیاء و مدیریت تالاب از آن‌ها در خصوص نقش مردم محلی سؤال شد: «مردم محلی چه عملکردهایی در جهت حفظ، احیاء و مدیریت تالاب می‌توانند داشته باشند؟». در پاسخ به این پرسش هفت گزینه، و برای هر گزینه ۱ امتیاز در نظر گرفتیم که با توجه به نحوه شاخص‌سازی حاصل از تجمیع این گویه‌ها، هر پاسخ‌گو امتیازی بین صفر تا ۷ دریافت کرد. این گزینه‌ها شامل آموزش زیست‌محیطی، عدم تجاوز به حریم تالاب، محدودیت صید و شکار، حفاظت از پوشش گیاهی و جانوری، تشکیل سمن‌های مردم‌نهاد، عدم دفع فاضلاب و زباله‌ها در تالاب، و همکاری با مسئولین است.

۲-۱-۵- پرداختن مؤثر به تهدیدها

در اجتماعات انواع گوناگونی از ذی‌نفعان وجود دارد. کسب اطمینان از مورد توجه قرار گرفتن نیازهای گروه‌های ضعیف‌تر در داخل اجتماع حائز اهمیت است. تهدیدهایی که نسبت به تالاب وجود دارد اغلب مستلزم مسائل مهمی نظیر برابری درمیان ذی‌نفعان است، و توجه به این مسائل می‌تواند اولین مرحله مؤثر در حل تهدید نسبت به تنوع زیستی باشد. مدیریت مشارکتی ابزار مهمی برای مدیریت و حتی حل تضاد است [۱۰]. در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن دو گروه ذی‌نفع (جامعه محلی و ادارات مرتبط با تالاب انزلی) و تهدیداتی که هرکدام از این دو گروه با آن

مواجه‌اند، این شاخص با پرسش «به‌نظر شما تهدید اصلی برای تالاب کدام است؟» سنجیده شد. در ادامه برای پاسخ به این پرسش انتظار داشتیم که نه‌گزینه به‌عنوان تهدید - شامل انباشت رسوبات در تالاب و کاهش عمق آن، آلودگی رودخانه‌های منتهی به تالاب انزلی، عدم توجه به مسائل زیست‌محیطی در پروژه‌های عمرانی، دفع غیراصولی فاضلاب‌ها و زباله‌ها، شناخت ناکافی از تالاب انزلی، صید و شکار بی‌رویه، تجاوز به اراضی اطراف تالاب انزلی، آژولا و استفاده از وسایل موتوری برای حمل و نقل در تالاب انزلی - مطرح شود.

۳- نتایج و بحث

پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای به دست آوردن میزان آشنایی پاسخ‌گویان با شاخص مدیریت مشارکتی، متغیرهای اساسی مدیریت مشارکتی عنوان شده در راهنمای کنوانسیون رامسر (شامل چارچوب‌های حمایتی، ارزش‌گذاری اقتصادی، دانش زیست‌محیطی محلی، پایش مشارکتی و پرداختن مؤثر به تهدیدات) مورد بررسی قرار می‌گیرد. (لازم به ذکر است که به‌دلیل حجیم بودن جداول مربوط به توزیع فراوانی پاسخ‌گویان به هریک از پارامترهای متغیر مدیریت مشارکتی از ارائه جداول اصلی صرف نظر شده است).

۳-۱- چارچوب‌های حمایتی

مبنای قانونی سالم برای ایجاد یک رژیم مدیریت مشارکتی لازم است. در این صورت، فرصت‌های موفقیت از طریق فرایندهای شفاف تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی چندبخشی افزایش می‌یابد [۱۰]. در پژوهش حاضر برای سنجش متغیر سیاست‌های حمایتی دولت و میزان آگاهی مردم محلی و جامعه کارمندان ادارات مرتبط با مدیریت تالاب، این سؤال از پاسخ‌گویان پرسیده شد که: «به‌نظر شما دولت یا سازمان‌های دولتی تا کنون چه اقداماتی در جهت حفظ یا احیاء تالاب انزلی انجام داده‌اند؟» در پاسخ به این پرسش، انتظار می‌رفت که پاسخ‌گویان به یکی از قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی یا پروتکل‌های پذیرفته شده توسط دولت اشاره کنند. پاسخ‌های ارائه شده در جدول ۱ منعکس شده است.

چنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، در بین

وجود ندارد. براین اساس می توان ادعا کرد که یکی از علل ناموفق بودن پروژه های دولتی در قبال تالاب انزلی یا نادیده گرفتن بعد زیست محیطی در پروژه های حوزه تالاب، شناخت نادرست یا ناقص مجریان پروژه ها و تصمیم گیرندگان نسبت به حمایت ها و بندهای قانونی حامی تالاب است.

۳-۲- دانش زیست محیطی محلی

دانش زیست محیطی محلی را می توان منبع قدرت مند اقتدار دانست. تلفیق دانش و اقدامات مدیریتی بومی و محلی، برای ارتباط و موفقیت استراتژی های مدیریت مشارکتی فوق العاده حائز اهمیت است. اگرچه این امر به صورت نظری پذیرفته شده است [۱۰]. در پژوهش حاضر برای سنجش این متغیر از پاسخ گوها خواستیم که از توانمندی های تالاب انزلی هر چه در نظر دارند مطرح کنند. کارمندان ادارات مرتبط در ارتباط با توانمندی های تالاب بیشتر بر جنبه های اقتصادی تأکید کردند. برای جلوگیری از حجیم شدن جدول مربوط به دانش زیست محیطی محلی از ده گزینه عنوان شده، به ترتیب این گونه در جدول ۳ استفاده شده است: گردشگری (گزینه ۱)، محل مهاجرت و زندگی پرندگان و جانوران (گزینه ۲)، صید و شکار (گزینه ۳)، گیاهان دارویی (گزینه ۴)، محصولات و فرآورده های دارویی (گزینه ۵)، خاک حاصل خیز (گزینه ۶)، تصفیه آب های سطحی و جلوگیری از سیلاب (گزینه ۷)، اشتغال زایی و جنبه اقتصادی (گزینه ۸) تغییرات آب و هوایی (گزینه ۹) و آزمایشگاه طبیعی (گزینه ۱۰).

کارمندان، از ۲۵ نمونه پاسخ گو، یک نفر به اصل ۵۰ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یک نفر به پذیرش پروتکل کنوانسیون رامسر اشاره کرده است. با توجه به جداول مربوطه، در بین جامعه محلی نیز شرایط تقریباً مشابهی حاکم بوده است (جدول ۲).

چنان که مشاهده می شود با توجه به جدول ۲، هیچ کدام از پاسخ گویان به اصل ۵۰ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران یا به پذیرش پروتکل کنوانسیون رامسر اشاره ای نکرده اند. این نتیجه نشان دهنده این مهم است که افراد مورد بررسی با پروتکل حفاظت از تالاب های رامسر و مصوبه های دولت آشنایی ندارند. در مقابل، پاسخ گویان بیشتر به بعد اجرایی دولت اشاره داشتند و نیاز اصلی نقش حمایتی دولت را، توجه به بازیافت پس ماند ها و توجه به مسائل احیای تالاب هم چون لایروبی می دانند.

با توجه به نظر پاسخ گویان، انتظارات جامعه محلی از مسئولین دولتی، بیشتر از کارمندان ادارات مرتبط است. انتظار جامعه محلی بیشتر حول کمک های مالی دولت بوده است، چرا که مردم محلی بر این باورند که لایروبی و بازگشت تالاب به وضعیت مطلوب گذشته نیاز به هزینه بالای مالی دارد که تنها دولت از عهده انجام آن برمی آید. با توجه به نتایج اولیه، چنین فرض می شود که میزان آشنایی کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی در خصوص سیاست های حمایتی دولت از جامعه محلی بیشتر باشد. در صورتی که نتایج پژوهش خلاف این مدعا را نشان می دهد و در واقع تفاوت معناداری بین شناخت کارمندان و جامعه محلی از سیاست ها و حمایت های دولتی از تالاب

جدول ۱- وضعیت فراوانی پاسخ گویان به چارچوب های حمایتی در بین کارمندان

کنوانسیون رامسر		اصل ۵۰		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱	۴/۰	۱	۴/۰	انتخاب گزینه
۲۴	۹۶/۰	۲۴	۹۶/۰	عدم انتخاب گزینه
۲۵	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	کل پاسخ گویان

جدول ۲- وضعیت فراوانی پاسخ به چارچوب های حمایتی در بین جامعه محلی

کنوانسیون رامسر		اصل ۵۰		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۰	۰	۰	۰	انتخاب گزینه
۲۵	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	عدم انتخاب گزینه
۲۵	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	کل پاسخ گویان

مثال، کارمندان ادارات مرتبط بیشتر بر توانمندی اکولوژیکی و اکوتوریسم تأکید می‌کردند، در حالی که تأکید جامعه محلی بیشتر بر تأثیر اقتصادی و اشتغال‌زایی تالاب بر زندگی معیشتی مردم حوزه تالاب است.

۳-۳- ارزش‌گذاری‌های اقتصادی

ارزیابی منافع و کارکردهای تالاب‌ها از نظریه فراتر رفته و در برنامه‌ریزی مدیریت مورد استفاده قرار گرفته است [۱۰]. کارکرد ویژه تالاب‌ها در بازار خرید و فروش نمی‌شود، و نوعاً در تصمیمات توسعه کم‌ارزش تلقی می‌شوند. ارزش‌گذاری اقتصادی با ارائه ابزاری برای اندازه‌گیری و مقایسه منافع تالاب، نیازمند آن است که همه ارزش‌هایی که حاصل می‌شوند یا با استفاده از هر نوع منبعی از دست می‌روند، به صورت عینی وزن‌دهی شوند. در این صورت، ارزش اقتصادی ابزار قدرت‌مندی برای تضمین «استفاده خردمندانه» از تالاب‌ها فراهم می‌سازد [۱۰]. در پاسخ به این پرسش، پاسخ‌گویان به نکاتی اشاره کردند که به تأثیر توانمندی‌های اقتصادی تالاب انزلی بازمی‌گشت. از نظر کارمندان ارزش‌گذاری تالاب انزلی بیشتر به جنبه گردشگری آن برمی‌گردد (جدول ۵). در این بخش نیز بنا بر محدودیت صفحه‌بندی در جدول از آوردن شکل کامل گزینه‌ها خودداری شده است. پس منظور از (گزینه ۱) اشتغال‌زایی و جنبه اقتصادی، (گزینه ۲) خاک حاصل‌خیز، (گزینه ۳) فرآورده‌ها و محصولات معدنی، (گزینه ۴) صید و شکار و (گزینه ۵) اکوتوریسم است.

چنان که در جدول ۳ مشاهده می‌شود از نظر کارمندان ادارات مرتبط، تالاب ابتدا به‌عنوان محلی برای مهاجرت و زندگی پرندگان و جانوران، و مکانی برای گردشگری و جذب گردشگران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اولویت بعدی صید و شکار، و اشتغال‌زایی و جنبه اقتصادی تالاب قرار دارد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که کارمندان دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط نیز همانند افراد محلی از سایر توانمندی‌های اساسی شناخت چندانی ندارند.

در مقابل این پرسش، پاسخ‌های متفاوت‌تری از جامعه محلی دریافت کردیم که نشان از شناخت نسبتاً بالای جامعه محلی از توانمندی‌های تالاب دارد (جدول ۴).

چنان که مشاهده می‌شود، اشتغال‌زایی و جنبه اقتصادی تالاب اولویت اول تالاب برای جامعه محلی به حساب می‌آید. صید و شکار و خاک حاصل‌خیز از دیگر توانمندی‌های دارای ارزش محسوب می‌شوند. با توجه به این الویت‌بندی می‌توان گفت آن دسته از توانمندی‌های تالاب که مستقیماً با جنبه اقتصادی و معیشتی جامعه محلی ارتباط دارد، نسبت به سایر گزینه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با توجه به نکات گفته شده در فوق، در این فرضیه میزان آگاهی جامعه محلی از توانمندی‌های تالاب انزلی بیشتر از میزان آگاهی کارمندان ادارات مرتبط است. می‌توان گفت میزان شناخت هر دو گروه پاسخ‌گو یکسان است، اما جهت‌گیری شناخت آن‌ها متفاوت است. به‌عنوان

جدول ۳ - وضعیت فراوانی شناخت دانش زیست‌محیطی محلی در بین کارمندان

گزینه	گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	گزینه ۶	گزینه ۷	گزینه ۸	گزینه ۹	گزینه ۱۰
انتخاب گزینه	۱۴	۱۴	۱۱	۵	۳	۸	۵	۱۰	۴	۶
عدم انتخاب گزینه	۱۱	۱۱	۱۴	۲۰	۲۲	۱۷	۲۰	۱۵	۲۱	۱۹
کل پاسخ‌گویان	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵

جدول ۴ - وضعیت فراوانی دانش زیست‌محیطی محلی در بین جامعه محلی

گزینه	گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	گزینه ۶	گزینه ۷	گزینه ۸	گزینه ۹	گزینه ۱۰
انتخاب گزینه	۱۲	۱۳	۱۶	۵	۷	۱۵	۶	۱۷	۵	۵
عدم انتخاب گزینه	۱۳	۱۲	۹	۲۰	۱۸	۱۰	۱۹	۸	۲۰	۲۰
کل پاسخ‌گویان	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵

۳-۴- پایش مشارکتی

صرف داشتن داده‌ها می‌تواند به مردم احساس مالکیت بدهد. جوامعی که در پایش دخالت دارند تأثیر مداخلات پروژه برای خودشان را می‌بینند و در صورت لزوم می‌توانند اقدامات تصحیحی را توصیه کنند. یک برنامه پایش اجتماعی که خوب طراحی شده باشد، یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای افزایش مهارت در مدیریت منابع است [۱۰].

در پژوهش حاضر برای سنجش پایش مشارکتی و میزان آگاهی جامعه محلی و کارمندان از سهم مردم در پایش و مدیریت مشارکتی تالاب انزلی از آن‌ها در این باره سؤال کردیم. کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی نقش مردم را بسیار متفاوت عنوان کردند (جدول ۷). در جدول زیر، علامت اختصاری گ به معنی گزینه بود و بدین ترتیب، منظور از (گ ۱) همکاری با مسئولین، (گ ۲) عدم دفع زباله و فاضلاب در تالاب، (گ ۳) تشکیل سمن‌های مردم‌نهاد، (گ ۴) حفاظت از پوشش گیاهی و جانوری، (گ ۵) محدودیت صید و شکار، (گ ۶) عدم تجاوز به حریم تالاب، (گ ۷) آموزش زیست‌محیطی است.

با توجه به جدول فوق چنین به نظر می‌رسد که از نظر کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی توسعه گردشگری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بعد از آن، صید و شکار و سپس اشتغال‌زایی تالاب اهمیت ویژه می‌یابد. اما در نظر مردم محلی این نظرات و میزان آگاهی از منابع اقتصادی بیشتر است (جدول ۶).

چنان که مشاهده می‌شود اولویت اول اقتصادی از نظر جامعه محلی «اشتغال‌زایی تالاب و جنبه‌های اقتصادی» است که در ارتباط مستقیم با معیشت مردم محلی است. صید و شکار نیز در رده دوم اولویت قرار دارد. آنچه در این تبیین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است فرض این نکته است که جامعه محلی در مقایسه با کارمندان ادارات مرتبط بسیار بیشتر به ارزش اقتصادی تالاب بها داده‌اند. یعنی آگاهی جامعه محلی از ارزش اقتصادی تالاب انزلی بیشتر از کارمندان ادارات مرتبط است. اما با توجه به تفاوت نوع بیان ارزش اقتصادی تالاب از دید کارمندان و جامعه محلی، هر دو این پاسخ‌گوها از ارزش بالای اقتصادی تالاب انزلی آگاه‌اند.

جدول ۵ - وضعیت فراوانی ارزش‌گذاری اقتصادی تالاب انزلی از نظر کارمندان

گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	
۱۰	۸	۳	۱۱	۱۴	انتخاب گزینه
۱۵	۱۷	۲۲	۱۴	۱۱	عدم انتخاب گزینه
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	کل پاسخ‌گویان

جدول ۶ - وضعیت فراوانی ارزش‌گذاری اقتصادی تالاب انزلی از نظر جامعه محلی

گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	
۱۲	۱۶	۷	۱۵	۱۷	انتخاب گزینه
۱۳	۹	۱۸	۱۰	۸	عدم انتخاب گزینه
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	کل پاسخ‌گویان

جدول ۷ - وضعیت فراوانی آشنایی کارمندان با عناصر پایش مشارکتی

گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	گزینه ۶	گزینه ۷	
۱۳	۱۰	۱۰	۶	۱۰	۸	۶	انتخاب گزینه
۱۲	۱۵	۱۵	۱۹	۱۵	۱۷	۱۹	عدم انتخاب گزینه
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	کل پاسخ‌گویان

۳-۵- پرداختن مؤثر به تهدیدها

جوامع محلی به صورت روزافزون نسبت به اثرات منفی پروژه‌های بزرگ توسعه که مبتنی بر منابع آن‌هاست، آگاه می‌شوند. جوامع محلی پیش‌تر و بیشتر علاقه‌مندند تا از حقوق خود برای حفظ معیشت به‌عنوان کاربران منابع، دفاع کنند. هنگام مواجهه با تنوع گروه‌های ذی‌نفع، مردم محلی الزاماً از مهارت‌های مذاکره — که لازمه دستیابی به راه‌حل مناسب برای مقابله با تهدیدهاست — برخوردار نیستند. ممکن است اجتماعات برای این که بتوانند در مورد دغدغه‌های خود با عوامل دولتی بحث کنند، نیازمند کسب آموزش باشند. با کاهش منابع دولتی، بدیهی است که مشارکت اجتماعات محلی به‌عنوان بازیگران اصلی در مدیریت تالاب، تاکنون امیدوارکننده‌ترین راه‌حل در برابر تهدیدهای فزاینده درخصوص یکپارچگی تالاب است [۱۰]. در پژوهش حاضر، دو گروه ذی‌نفع (جامعه محلی و کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی) از تهدیداتی علاوه بر اثرات منفی پروژه‌های عمرانی یاد کردند. کارمندان در ارتباط با این پرسش‌نگاهی متفاوت از جامعه محلی دارند (جدول ۹). در این بخش نیز بنابر محدودیت صفحه‌بندی در جدول از آوردن شکل کامل گزینه‌ها خوداداری شده است. پس منظور از (گ ۱) انباشت رسوبات در تالاب، (گ ۲) آلودگی رودخانه‌های منتهی به تالاب، (گ ۳) تخلیه فاضلاب و زباله‌ها در تالاب، (گ ۴) عدم توجه به برنامه‌های زیست‌محیطی در پروژه‌های عمرانی، (گ ۵) آرزو، (گ ۶) عدم شناخت درست از تالاب است.

با توجه به جدول ۷ به‌نظر می‌رسد که از نظر کارمندان، اولین و مهم‌ترین نقش مردم مربوط به همکاری مؤثر آن‌ها با مسئولین مربوطه است و انجام اموری چون رعایت بهداشت و عدم تجاوز به زمین‌های اطراف تالاب انزلی به‌عنوان اولویت‌های بعدی عنوان شد. این در حالی است که در پاسخ‌های جامعه محلی با پاسخ‌های متفاوتی رو به رو بودیم (جدول ۸).

با توجه به جدول ۸، شایان ذکر است از نظر جامعه محلی حفاظت از پوشش گیاهی و جانوری که در ارتباط مستقیم با کشاورزی و صید و شکار است، اولویت دارد. در سال‌های اخیر با تجاوز مردم جامعه محلی و تبدیل تالاب به زمین‌های کشاورزی قسمت‌هایی از تالاب تخریب شده است. چون جامعه محلی از نزدیک با این رویداد دست و پنجه نرم می‌کنند و تأثیر مستقیم تخریب تالاب را بر روند زندگی خود لمس می‌کنند بیشتر از این گزینه استقبال کردند. در ادامه، همکاری با مسئولین و دفع اصولی زباله و فاضلاب از عمده‌ترین نقش‌ها و وظایف مردم محلی دانسته شده است. با توجه به آنچه که عنوان شد انتظار می‌رود میزان آگاهی جامعه محلی از میزان مشارکت محلی، در مقایسه با آگاهی کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی، بیشتر است. می‌توان گفت که هم جامعه محلی و هم کارمندان ادارات مرتبط از نقش مردم محلی آگاهی دارند، اما هرکدام از جنبه‌های متفاوت به موضوع نگاه می‌کنند. به‌عنوان مثال گروه کارمندان ادارات بر لزوم تشکیل سمن‌های مردمی تأکید دارند، در حالی که مردم محلی به عدم تعدی به حریم تالاب یا عدم دفع زباله و فاضلاب به تالاب انزلی توجه داشتند.

جدول ۸ - وضعیت فراوانی آشنایی جامعه محلی با عناصر پایش مشارکتی

گزینه	گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	گزینه ۶	گزینه ۷
انتخاب گزینه	۷	۲	۱۰	۱۲	۲	۱۱	۱۱
عدم انتخاب گزینه	۱۸	۲۳	۱۵	۱۳	۲۳	۱۴	۱۴
کل پاسخ‌گویان	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵

جدول ۹ - وضعیت فراوانی پرداختن به تهدیدات از نظر کارمندان

گزینه	گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	گزینه ۶
انتخاب گزینه	۱۱	۱۵	۱۳	۸	۷	۴
عدم انتخاب گزینه	۱۴	۱۰	۱۲	۱۷	۱۸	۲۱
کل پاسخ‌گویان	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵

زیرگونه‌های متفاوتی دارد و بسته به شرایط محیطی رنگ و اندازه‌های گسترش آن متفاوت است [۱۴]. این گیاه با پوشاندن سطح آب راه هرگونه نفوذ نور خورشید و اکسیژن را به داخل آب می‌بندد و بعد از مدتی باعث نابودی پوشش گیاهی تالاب و کاهش جمعیت جانوران حیات وحش تالاب می‌شود.

با توجه به آنچه در دو جدول ۹ و ۱۰ اشاره شد، تهدیدات از نگاه جامعه محلی متفاوت از تهدیدات از نگاه کارمندان ادارات مرتبط با تالاب انزلی است. این نشان‌دهنده این مدعاست که چون درک صحیح و شناخت درستی بین کارمندان و جامعه محلی وجود ندارد، نمی‌توانند درباره تهدیداتی که تالاب و منبع سودمند هر دو گروه را به خطر می‌اندازد، توافقی داشته باشند. برای به‌دست آوردن میزان شناخت هر کدام از دو گروه کارمندان و جامعه محلی با مدیریت مشارکتی، با توجه به میزان شناخت هر کدام از دو گروه با پارامترهای این شاخص، امتیازات مربوط به پاسخ‌های هر فرد به هر پارامتر را که در جدول زیر آمده است با هم جمع می‌کنیم (جدول ۱۱).

با توجه به جدول فوق چنانچه فردی نسبت به مدیریت مشارکتی شناخت کامل داشته باشد، نمره به دست آمده توسط وی برابر است با ۳۰، و عدم شناخت او نسبت به شاخص مدیریت مشارکتی امتیاز صفر را برای وی به همراه خواهد داشت. با توجه به مقایسه میزان میانگین شناخت هر کدام از دو گروه پاسخ‌گویان این فرضیه شکل می‌گیرد که بین میانگین شناخت جامعه محلی از مدیریت مشارکتی با میانگین شناخت کارمندان از مدیریت مشارکتی تفاوت معناداری وجود دارد.

چنان که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، در میان تهدیدها، آنچه که از نظر کارمندان برای تالاب خطر بیشتری دارد، آلودگی رودخانه‌های منتهی به تالاب است. باید گفت این مدعای کارمندان با واقعیت امر چندان تفاوتی ندارد، چرا که ۷۰٪ رسوبات و آلودگی فاضلاب‌ها و زباله‌ها از طریق رودخانه‌های بخش شرقی تالاب وارد تالاب می‌شوند؛ نیمی از آلودگی تالاب انزلی از پنج رودخانه خمام‌رود، رمضان بکنده، قنادی، لکه‌کا، و بیج‌رود است. ورود فاضلاب‌های کشاورزی، صنعتی و خانگی باعث ازدیاد پوشش گیاهی در این رودخانه‌ها شده و اکثر رودخانه‌های منتهی به تالاب به‌عنوان زهکش اراضی کشاورزی و شالی کاری عمل می‌کند [۱۳]. اما نگاه جامعه محلی به تالاب دیگرگونه است (جدول ۱۰).

با توجه به جدول ۱۰ درمی‌یابیم که از نظر جامعه محلی آنچه باعث تخریب و نابودی تالاب می‌شود ابتدا انباشت رسوبات در تالاب است که موجب کاهش عمق تالاب گشته است. لازم به ذکر است، به‌گفته کارشناسان سالانه ۴۰۰ هزار تن رسوبات وارد دریاچه خزر می‌شود، که ۳۰٪ آن - معادل حدوداً ۱۱ هزار تن رسوبات در سال - در تالاب انزلی ذخیره می‌شود.

اولویت دوم منبع خطر برای تالاب انزلی از نظر جامعه محلی گیاه آزولا است. آزولا سرخس شناور آزادی است که معمولاً در آب‌های راکد و آرام نهرها، تالاب‌ها و شالیزارها، از نواحی معتدل گرفته تا نواحی گرمسیری، یافت می‌شود. برگ‌های این گیاه ظریف و کوچک و حساس است و بسته به این که در چه مقطعی از زمان رشد کند، رنگ‌های متفاوتی دارد. این گیاه در عرض دو تا سه روز به دو برابر حد معمول خود می‌رسد. آزولا گونه‌ها و

جدول ۱۰- وضعیت فراوانی توجه به تهدیدات از نظر جامعه محلی

گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴	گزینه ۵	گزینه ۶
انتخاب گزینه	۱۳	۹	۱۰	۵	۷
عدم انتخاب گزینه	۱۲	۱۶	۱۵	۲۰	۱۸
کل پاسخ‌گویان	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵

جدول ۱۱ - تعداد گویه‌ها و امتیازات هر یک از پارامترهای شاخص مدیریت مشارکتی

پارامترها	تعداد گویه‌ها	مجموع نمرات برای هر پارامتر
چارچوب حمایتی	۲	۲
دانش زیست‌محیطی محلی	۱۰	۱۰
ارزش‌گذاری اقتصادی	۵	۵
پایش مشارکتی	۷	۷
پرداختن به تهدیدات	۶	۶
جمع	۳۰	۳۰

۴- نتیجه گیری

براساس کنوانسیون بین‌المللی رامسر، در حال حاضر ۸ تالاب ایران در محدوده قرمز قرار دارند و با بروز خشکسالی به تعداد تالاب‌های در معرض خطر اضافه می‌شوند [۱۲]. تالاب انزلی یکی از مهم‌ترین این تالاب‌های در معرض نابودی به حساب می‌آید. با توجه به نقش مردم در حفظ تالاب‌ها، تحقیق حاضر با هدف شناخت میزان آگاهی جامعه محلی و ذی‌نفعان از مدیریت مشارکتی تالاب انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

الف) اکثریت افراد نمونه تحقیق از روند نابودی تالاب اظهار ناخرسندی کردند.

با توجه به داده‌های به‌دست آمده و فرضیه حاصل، از آزمون تفاوت معناداری میانگین دو گروه مستقل برای محاسبه معناداری تفاوت میانگین دو گروه استفاده شده است. در مرحله اول و با توجه به جدول میانگین‌های دو گروه مشاهده می‌شود که بین میانگین‌ها تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۱۲).

در مرحله بعد، برای برابری یا عدم برابری واریانس‌های دو گروه از آزمون لون استفاده شد؛ نتیجه حاصله نشان می‌دهد که میزان آن ۰/۷۵ بوده و با توجه به سطح معناداری آزمون (چون از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است)، فرض برابری واریانس دو گروه را می‌پذیریم. لذا از نتایج موجود در ردیف اول جدول آزمون میانگین‌ها استفاده می‌کنیم.

جدول ۱۲- مقایسه میانگین‌های دو گروه

گروه‌ها	تعداد پاسخ‌گویان	انحراف از معیار	میانگین
کارمندان	۲۵	۲/۳۵	۹/۹۶
جامعه محلی	۲۵	۱/۲۷	۱۱/۲۸

جدول ۱۳- آزمون تفاوت میانگین‌ها

آزمون	مقدار آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
برابری واریانس‌ها	-۲ / ۴۶	۴۸	۰ / ۰۱۷	-۱ / ۳۲
نابرابری واریانس‌ها	-۲ / ۴۶	۳۷	۰ / ۰۱۸	-۱ / ۳۲

ب) به نظر اعضای جامعه محلی، روند نابودی تالاب نتیجه برنامه‌های توسعه‌ای و اجرای پروژه‌هایی است که از سوی دولت در منطقه اجرا می‌شود. از طرفی کارمندان ادارات مرتبط با مدیریت تالاب این روند نابودی را نتیجه استفاده نادرست و شناخت ناکافی جامعه محلی می‌دانند. این امر حاکی از بی‌اعتمادی مردم نسبت به فعالیت‌های احیاء تالاب - این فعالیت‌ها را در راستای کمک به خود نمی‌بینند - از یک سو، و عدم اعتماد متقابل اجتماعی بین ذی‌نفعان تالاب انزلی از سوی دیگر است.

ج) در منطقه مورد بررسی گروه‌های مردم‌نهاد متشکل از افراد بومی، به‌منظور جلوگیری از آسیب دیدن تالاب انزلی یا حتی کاهش آسیب‌ها، هنوز شکل نگرفته است. مردم بر این باورند که اقدامات آن‌ها چون از منظر پایین به بالاست اثری بر تصمیمات دولتی ندارد و به‌قول معروف صدای‌شان به جایی نمی‌رسد. یکی از موارد مهم

با توجه به ردیف اول جدول فوق و میزان سطح معناداری آزمون (۰/۰۱) که کم‌تر از ۰/۰۵ است، فرض وجود تفاوت معنادار بین میانگین‌های دو گروه کارمندان و جامعه محلی پذیرفته می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به ستون تفاوت میانگین در جدول ۱۳ (و عدد ۱/۳۲-) درمی‌یابیم که میانگین میزان شناخت کارمندان از شاخص مدیریت مشارکتی کم‌تر از میانگین میزان شناخت جامعه محلی است. این نتیجه حاصل شناخت درست‌تر و نزدیک‌تری است که جامعه محلی از ارتباط مستقیم و زندگی در کنار تالاب به دست آورده است. استفاده از این شناخت درست‌تر می‌تواند کمکی بزرگ و قابل قبول به برنامه‌ها و تصمیمات ادارات و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با تالاب باشد. در حقیقت، دانش بومی و محلی در این‌جا فرصت مناسبی برای هر نوع پروژه‌ای که درصدد بهبود وضعیت مرداب با مشارکت مردم است، فراهم می‌کند.

درازدت جوامع متمرکز شد. به موازات قدرت‌مندتر شدن اجتماع محلی، می‌توان از حمایت‌ها کاست. پایداری زمانی افزایش می‌یابد که پروژه‌ها در مقیاس کوچک آغاز شوند، بر داشته‌های قبلی مردم بنا شود، به نهادها و مؤسسات محلی اتکاء کند و مطمئن باشد که هر نوع داده تجهیزاتی و زیرساختاری را می‌توان پس از قطع حمایت بیرونی حفظ و نگهداری کرد. در هر صورت، مدیریت مشارکتی نباید بهانه‌ای برای اقدام دولتی محسوب شود. دولت‌ها باید استانداردهای زیستی مناسبی را تدوین کنند تا بتوانند به طرز مؤثری درگیر کمک به رعایت این استانداردها شوند [۱۰].

منابع

- [1] The State of the Environment. Water Resilience, News Letter of the Environmental Protection Organization; Tehran, 1389. [In Persian]
- [2] Jaeecca, Anzali wetland ecological management project in Iran, The State of the Environment; 2011. P. 28-45.
- [3] Baloochestan Environmental Protection Organization. Wetlands, life lines on power face, Zabol, The Environment Organization Publication; 1384. [In Persian]
- [4] Moser, Mike. Towards a forming integrating wetlands projects. Translated by Bagher Saddogh, Iran' State of the Environment publication, 1389. [In Persian]
- [5] Jaeecca, Newsletter of Anzalin Wetland Protection Project; 1382; 11(3). [In Persian]
- [6] Sabet Raftar, Karim. Master Plan for Anzali Wetland, Director of the Environment in Geelan. University of Geelan Publication; 1372. [In Persian]
- [7] Shiraz State of the Organization. Master Plan for Parishan Wetland. News Letter of Shiraz Environmental Protection Agency; 1389. [In Persian].
- [8] Sheathe, Utsala. Community Participation in Wetland Conservation in Nepal. Journal of Agriculture and Environment, 2011; 12(3): 14-147.
- [9] Sutton W. Phillip. Introduction to Sociology: The Environment. Translated by Sadegh Salehi, Tehran, Samt Publication; 1392. [In Persian]
- [10] Gawler, M. What are best practices? Lessons in participatory management of inland and coastal wetlands. In: Gawler, M. (ed.) Strategies for wise

مورد توجه این است که تا رابطه اعتمادی میان اجتماعات و عوامل دولتی ایجاد و حفظ نشود، بعید است که حتی ساده‌ترین شکل مدیریت مشارکتی بتواند دوام بیاورد [۱۰]. از طرف دیگر، کارمندان دولتی از مردم انتظار دارند که بیش از پیش همکاری خود را با گروه‌ها و متخصصان دولتی افزایش دهند.

د) نتایج تحقیق نشان داد که جامعه محلی بر این باورند که نقش و سهمی در تخریب تالاب ندارند. از نظر افراد مورد بررسی ساکن در حوزه تالاب انزلی، برای حفظ تالاب سیستم اجرایی دولت باید به رفع معضلات و جلوگیری از نابودی تالاب همت گمارد. آنچه حائز اهمیت است این است که پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای باید نقش تسهیل‌کننده داشته باشند، نه این که خود پروژه منبع برای نابودی تالاب انزلی به‌شمار آید. از سوی دیگر، کارمندان ادارات مرتبط با مدیریت تالاب انزلی بر این باورند که وضعیت رو به نابودی تالاب نتیجه رفتار غیرمسئولانه جامعه محلی است.

به‌طور کلی، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جامعه محلی (ساکنان حوضه تالاب) نسبت به شاخص مدیریت مشارکتی از شناخت بالاتر و بهتری در مقایسه با کارمندان ادارات مرتبط برخوردارند. هم‌چنین جامعه محلی به نقش مهمی که می‌توانند در حفظ و احیای تالاب داشته باشند آگاه نیستند؛ در حالی که کارمندان ادارات دولتی نقش زیادی برای جامعه محلی متصورند. چنین یافته‌هایی در شرایطی که در وضعیت فعلی تالاب، به همیاری هر دو گروه نیاز است، بسیار قابل توجه و البته هشداردهنده است. باید توجه داشت که در فرایند مدیریت مشارکتی، تداوم ارتباط بین انسان و طبیعت و نیز همگرایی و توان و عزم جوامع انسانی و مراجع دولتی و غیردولتی، باید زمینه بسیار مناسبی برای حفاظت از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار فراهم آورند. نهایتاً، چنان که مایر [۱۵] مطرح می‌کند، آموزش محیط‌زیست و ارائه اطلاعات روزآمد و مرتبط با مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، استفاده از ارتباطات مناسب و مؤثر برای ایجاد انگیزه، حمایت از توانایی افراد برای اقدام از طریق دستیابی به مهارت‌های زندگی و تقویت یک محیط توانمندساز، می‌تواند منجر به تغییرات پایدار در نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و نهایتاً توسعه پایدار شود. به‌نظر می‌رسد باید بر فرایند و مالکیت

use of wetlands: Bestpractices in participatory management. Proceedings of Workshop 1 of the 2nd International Conference on Wetlands and Development. Wetlands International, Wageningen, the Netherlands, <http://www.wetlands.agro.nl.pdf>, (assessed: June 24, 2000).

- [11] Devas D E. Survey in Social Research. Translated by Hooshang Naebee; Tehran, Nashre Ney Publication; **1389. [In Persian]**
- [12] Qolamdoust, Atefeh. A study of local people' roles in protecting wetland (Case study: Anzali wetland in Geelan), Master Dissertation, Supervised by Dr.Sadegh Salehi, University of Mazandaran; **1391. [In Persian]**
- [13] Institute for Sustainable Development and the Environment. Socio-economic study of Anzali Talab in the frame work of the project of Anzali Ecological Management, Geelan Department of the Environment; **1390 [In Persian]**
- [14] MedicineSciences_Biotechnolog. http://www.tebyan.net/Science_Technology.html, (assessed: May 9, 2009).
- [15] Myer, Veren. The Ecological Footprint, The ecological footprint as an environmental education tool for knowledge, attitude and behaviour changes towards sustainable living: a case study, Master thesis submitted to the University of South Africa, <http://uir.unisa.ac.za/handle/10500/2248>. Pdf, (accessed: February 21, 2011).



